

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۹، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۵۷-۸۱

جایگاه فضاهای اوقات فراغتی تفکیک شده جنسیتی در برساخت هویت دختران: مطالعه بوسستان نرگس قم

ناصر فکوهی^۱
امیلیا نرسیسیانس^۲
نقیسه ایمانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲

چکیده

این مقاله بر مبنای مفهوم فضا، که به لحاظ اجتماعی با مفهوم قدرت ارتباط برقرار می‌کند، تدوین شده است. طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری، از جمله تفکیک‌های فضایی، در جهت کنترل و اداره فضاهای عمومی صورت می‌گیرد که در کشور ما هدف از این کنترل، حفظ و بازنمایی هویت ایرانی و اسلامی شهرها و شهروندان است. برای پاسخ به این مسئله که استراتژی‌های فضایی بر اساس جنسیت - همچون ایجاد فضاهای تک‌جنسیتی اوقات فراغتی - چه جایگاهی در برساخت هویت شهروندان دارد، ناگزیر از توجه به تنوع مخاطبان فضاهای شهری هستیم. این پژوهش به روش مردم‌نگاری انجام شده و در آن از فنون مشاهده و مصاحبه بهره گرفته شده است. نمونه مورد مطالعه ۱۵ نفر از مراجعه‌کنندگان بوسستان نرگس هستند که در رده سنی ۱۵ تا ۲۰ سال قرار دارند؛ هدف مقاله بررسی نقش و جایگاه بوسستان‌های زنان در زندگی روزمره و هویت دختران است؛ در این مقاله این بوسستان‌ها به عنوان بخشی از فضای شهری و در ارتباط با کلیت فضای اجتماعی در نظر گرفته است. با استفاده از تحلیل مصاحبه‌ها، زندگی روزمره دختران در فضاهای خصوصی و عمومی، نگرش آن‌ها درباره مفهوم جنسیت، و کنش آن‌ها بر اساس این مفهوم بررسی شد. عاملیت دختران در زمینه انتظام فضایی در سه گروه پذیرنده، سرکش یا مقاومت‌کننده و منتقد بازشناسی شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در طراحی فضاهای شهری جنسیتی به مدیریت تفاوت‌های اجتماعی و توجه به همه گروه‌های سنی، اجتماعی و فرهنگی نیاز وجود دارد.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی شهری، انسان‌شناسی جنسیت، فضاهای اوقات فراغت، بوسستان بانوان، تفکیک جنسیتی، دختران نوجوان

^۱ استاد، گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

nfakohi@ut.ac.ir

^۲ دانشیار، گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. enerciss@ut.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری، مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

nafiseimani94@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

کیفیت استفاده زنان از فضای عمومی شهری و حضور آنان در شهر از سوی سیاستگذاران شهری و فعالان حقوق زنان مسئله‌ای چالش‌برانگیز و مورد مناقشه است که حوزه عمومی را به «فضای مورد منازعه»^۱ بین دو جنسیت تبدیل می‌کند. گرچه این منازعه کمابیش در همه جوامع در جریان است و اساساً مفهوم فضا مفهومی سیاسی به شمار می‌رود، در جریان مقاومت هویت‌های ملی و محلی و دینی در برابر فرایند جهانی‌شدن، ابعاد مفهومی دیگری نیز به آن‌ها افزوده می‌شود. مواجهه با مسئله جنسیت و ابعاد سیاسی و اجتماعی آن، در کشورهای اسلامی و از جمله ایران تحت‌تأثیر تعاملات و تقابل‌ها با کشورهای غربی طی دوره استعماری و پسااستعماری قرار دارد. در این دوره از سویی فرهنگ‌های اسلامی به سبب تحت‌ستم بودن زنان در این فرهنگ‌ها مورد تحقیر واقع شده‌اند، و راه پیشرفت و برون‌رفت از وضعیت موجود بهبود وضعیت زنان من جمله برداشتن الزام حجاب به شمار رفته است. در مقابل، جریان‌های مقاومت اسلام‌گرا در برابر نفوذ فرهنگ غرب از همین تأکید بر وضعیت زنان تأثیر پذیرفته و بیشترین تأکیدشان را بر حفظ الگوهای سنتی خانواده، حجاب و قوانین مربوط به زنان قرار داده‌اند (احمد ۱۳۹۴). این موضوع از جمله در سیاست‌گذاری‌های فضای شهری تا حد زیادی منعکس شده و گفتمان‌های غرب‌گرا و اسلام‌گرا، در کشورهای مختلف اسلامی، در این باره اظهارنظرهای متفاوتی کرده و سیاست‌های متنوعی را در پیش گرفته‌اند (نیوکامب^۲ و کالج^۳، ۲۰۰۶).

در آغاز دوره مدرنیزاسیون در ایران، به تدریج ورود زنان به حوزه آموزش و اشتغال، کشف اجباری حجاب و تأمین حق رای زنان اتفاق افتاد که با نادیده گرفتن و سرکوب هویت اسلامی و سنتی همراه بود. این جریان پس از انقلاب اسلامی گرچه تحت‌تأثیر گفتمان مدرن، از مشارکت اجتماعی زنان از جمله در حوزه آموزش و پزشکی حمایت می‌کرد، سمت‌وسوی قوانین و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی را با تأکید بر عدم اختلاط جنسیتی و حجاب اجباری در فضای عمومی، به نفع هویت‌های سنتی و اسلام‌گرا تغییر داد. طی این دوره، در مورد شدت و کیفیت جلوگیری از اختلاط جنسیتی، گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی همواره با چالش‌هایی مواجه بوده و مقاومت‌هایی داشته‌اند.

انتظام فضایی سنتی (که فضای عمومی را متعلق به مردان و فضای خصوصی را مربوط به زنان در نظر می‌گیرد)، تا حدی متزلزل شده است، اما تفکیک جنسیتی فضاهای آموزشی، فضاهای مذهبی، وسایل حمل‌ونقل عمومی بیشتر مورد توجه، و بسته به میزان امکان‌پذیری و قابلیت اجرا، مورد پیگیری قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر جدال قدرت از سطح سنتی به سطح مدرن یعنی بهینه‌سازی و بهنجارسازی حضور زنان منتقل شده است. در این میان، فضاهای اوقات فراغت که از وجه اجبار یا ضرورت عملی برای کاربران برخوردار

¹ Contested space.

² Newcomb.

³ College.

نیستند و از دهه ۱۳۸۰ در بسیاری از شهرهای ایران مورد استقبال مدیران شهری قرار گرفته‌اند، به لحاظ جایگاهشان در جدال قدرت تحلیل‌های متفاوتی را برمی‌انگیزند. احداث پارک‌های مخصوص بانوان را می‌توان حداقل به دو گونه کاملاً متضاد تفسیر نمود. از یک‌سو می‌توان احداث آن‌ها را در جهت حمایت از بانوان و استفاده گسترده‌تر از فضای شهری تلقی نمود و از سوی دیگر می‌توان آن را اقدامی در جهت طرد بانوان از فضای عمومی درک کرد (توانا و شفیع‌ی ۱۳۹۴: ۱۰۸)

اساساً تفکیک فضا بر اساس جنسیت، تفکیکی با توجه به ویژگی‌های از پیش تعیین شده و بدون توجه به تنوع موجود درون یک گروه است. در مورد پارک‌های مخصوص بانوان نیز با چنین رویکردی نسبت به زنان مواجه هستیم که همه زنان را دارای ویژگی مشترک در نظر می‌گیرد. در مورد تفکیک جنسیتی فضاهای شهری از جمله بوستان‌های بانوان تحقیقاتی صورت گرفته است (توانا و شفیع‌ی، ۱۳۹۴) (حسینی و سمیعی پور، ۱۳۹۴) (غیاثوند، ۱۳۹۳) (نادری و شهبازی و اکبری، ۱۳۹۳). این مقالات بیشتر به‌طور عمومی به رضایتمندی، مطالعه ورزش زنان و تأثیرگذاری‌های هویتی چنین فضایی پرداخته‌اند. توانا و شفیع‌ی طی مطالعه‌ای کیفی نشان می‌دهند که اگر هدف از چنین طرح‌هایی حمایت از گروه‌های حاشیه‌ای و توزیع برابر امکانات شهری برای هر دو جنسیت باشد، این طرح‌ها به دلیل سیاست‌گذاری از بالا به پایین و در نظر نگرفتن تفاوت‌ها و تنوع مخاطبان و در نتیجه نیازها و علایق و سلايق آنان موفق عمل نمی‌کنند. به‌طور کلی بررسی و تبیین تأثیرات یک فضای شهری بر موقعیت و زندگی روزمره، بدون توجه به گروه‌های مختلفی که تحت‌تأثیر آن قرار دارند، و شرایط و امکانات و کنش‌ها و نگرش‌های آن‌ها در زمینه اجتماعی و فرهنگی‌شان امکان‌پذیر نیست.

اکنون اگر بخواهیم به تفاوت‌ها و تنوع مخاطبان این فضا توجه کرده و نقش چنین فضایی در زندگی روزمره را مورد کاوش قرار دهیم، دختران نوجوان یکی از این گروه‌ها هستند که به لحاظ اجتماعی جزو گروه‌های حاشیه‌ای و کم‌قدرت به حساب می‌آیند. مقاله حاضر تلاش دارد به وجوه متفاوت تأثیرگذاری چنین فضایی بر زندگی روزمره و فضای زیست‌شده دختران نوجوان بپردازد و به دیده و شنیده شدن این گروه نامرئی و درک پیچیدگی‌ها و ابعاد چندگانه هویت اجتماعی آنان کمک کند.

توجه به دو مفهوم فضا و زندگی روزمره در این مقاله، آن را در جریانی از علوم اجتماعی مشارکت می‌دهد که طی چهار دهه اخیر در تحقیقات و نظریه‌پردازی‌ها، فضا را به عنوان تولید اجتماعی از یک سو و بستری تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر فرایندهای اجتماعی از سوی دیگر، مورد توجه قرار داده است. جریانی که از آن با عنوان «چرخش فضایی»^۱ یاد شده است (اشمید ۱۳۹۳).

^۱ spatial turn

همچنین نگرش مقاله نسبت به نوجوانان بر خلاف رهیافت یادگیری اجتماعی و مفهوم جامعه‌پذیری است که اعضای جامعه به ویژه کودکان و نوجوانان را همانند لوح سفید یا خمیر بی‌شکل در نظر گرفته و فرایند جامعه‌پذیری را از بیرون منعکس می‌کند. بلکه با رهیافت بازتولید تفهیمی و شناخت‌نگر همراه است که کودکان را در تفسیر و گزینش اطلاعات و کنش‌های اطرافشان فعال‌تر در نظر می‌گیرد. در این رهیافت نقش تفکر و تفسیر فرد از روابط اجتماعی و تعاملات نیز اهمیت می‌یابد و در نتیجه بر ابداع، مناسب‌سازی و بازتولید تأکید بیشتری دارد (کوسارو ۱۳۹۳) از طریق این رویکرد به بررسی کنش‌ها و نگرش‌های نوجوانان در مقابل بازنمایی‌های فضایی و تکنیک‌های انضباطی خواهیم پرداخت.

مفاهیم نظری

مقاله حاضر بر مبنای مفهوم فضا که به لحاظ اجتماعی پیوندی اجتناب‌ناپذیر با مفهوم قدرت برقرار می‌کند، تدوین شده است. همچنین مفهوم فضای جنسیتی مورد توجه واقع شده است. از این رو از مفاهیم نظری هانری لوفبور، میشل فوکو و دافنه اسپین استفاده می‌شود. در کاربرد اجتماعی مفهوم فضا، بعد فیزیکی با کنش‌ها و فرایندهای اجتماعی پیوند می‌یابد. کتاب «تولید فضای» لوفبور (۱۹۹۱) در این زمینه به‌طور ویژه به تولید فضا به لحاظ اجتماعی در زندگی روزمره پرداخته و فضا را به مثابه امر اجتماعی و سیاسی مطرح می‌کند که علاوه بر تجربه زندگی روزمره، تجربه حافظه تاریخی را نیز دربرمی‌گیرد. فضای اجتماعی به‌طور مستمر و با تغییر مفاهیم، ادراکات و تجربه‌های زیسته تغییر می‌کند و در دوره‌های مختلف تاریخی، همراه با تغییر بازیگران، موقعیت‌ها، ارزش‌ها و روابط، تولید فضا تحت تأثیر قرار می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۹). این فرایند مستمر متناسب با سازمان فعالیت‌های انسانی به تفکیک مناسبات زنان و مردان شکل گرفته و تجلی می‌یابد و سلطه ایدئولوژی و افکار قالبی جنس-جنسیتی در فضا منعکس می‌شود (محمدی اصل ۱۳۸۹، ۲۳). جنسیت به عنوان یک سازوکار سازمان‌دهنده در ابعاد مشاهده شده، درک شده و زیست شده فضای شهری روزمره عمل می‌کند (لوفبور، ۱۹۹۱: ۳۹).

یکی از این سه‌گانه‌ها «کردار فضایی»^۱ است. واژه کردار به عمل و بعد مادی مرتبط با فضا و کلمه فضایی به بعد همزمانی کردار، کنش و تعامل اجتماعی ارجاع دارد. کردار، عمل یا تجربه فضایی که لوفبور آن را به عنوان فضای محسوس^۲ نیز توصیف می‌کند، به بعدی اشاره دارد که توسط حواس پنج‌گانه قابل درک است. «بازنمایی فضا»^۳ مربوط به تعریف و درکی است که از فضا به بیان درمی‌آید و در سطح گفتمان مسلط ظهور می‌کند. توصیف‌ها، تعریف‌ها، نقشه‌ها، اطلاعات تصاویر، علامت‌ها و نظریه‌های علمی مربوط به فضا را دربرمی‌گیرد و رشته‌های معماری، برنامه‌ریزی، جغرافیا و علوم اجتماعی با تولید چنین

¹ Spatial Practice

² Perceived Space

³ Representation of Space

بازنمایی‌هایی سروکار دارند. این بعد که به عنوان فضای درک‌شده^۱ نیز مطرح می‌شود، از سوی گروه مسلط (دانشمندان، برنامه‌ریزان، متخصصان و ...) با فضای زیسته و استنباط شده یکسان انگاشته می‌شود. «گفتمان این متخصصان به سوی ارزش‌گذاری، کمی‌سازی و اداره‌ی فضا برای حمایت و مشروعیت‌بخشی به شیوه‌های عمل دولت و سرمایه‌گرایی دارد» (رونبرگر، ۱۳۹۳: ۲۶۰)؛ اما «فضاهای بازنمایی^۲» یا «فضای زیسته^۳»، فضای کاربران است که از طریق نمادها مستقیماً زیسته و تجربه شده است و البته امکان‌هایی را برای مقاومت فراهم می‌کند. در این فضا انسان‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه با نمادها رابطه‌ی مستقیم برقرار می‌کنند و خود را نیز از خلال آن‌ها به بیان درمی‌آورند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۴۰) (گونواردنا، ۱۳۹۳).

مفهوم فضا از منظر فوکو نیز با امر سیاسی پیوند دارد و مفهوم قدرت و مقاومت در آن تبلور می‌یابد. «فضا در هر شکلی از زندگی اجتماعی مقوله‌ای بنیادی است. زیرا فضا اساس هر اعمال قدرتی است» (فوکو، ۱۳۹۶: ۲۵۲). فوکو در تحلیل قدرت از دیدگاه فناورانه، به تحولی توجه می‌کند که در اشکال اعمال قدرت رخ داده است. فناوری انضباطی شامل همه سازوکارهایی است که افراد را در زندگی روزمره ساماندهی می‌کند و توزیع و طبقه‌بندی در مکان و جداسازی بدن‌ها، تکنیکی ابتدایی برای کنترل و رؤیت‌پذیری فضا و افراد است. قدرت از طریق تکنیک‌هایی چون الگوی اردوگاه، طرح سراسربین و فضاهای تک‌جنسیتی شده فضا را به عامل کنترل رفتار بدل می‌کند و بر جزء‌جزء حرکات بدن و رفتارها اعمال قدرت می‌کند (فوکو، ۱۳۹۶). بنابراین هدف تکنولوژی انضباطی، دستیابی به بدن مطیع است. در مقابل باید توجه داشت که قدرت بدون وجود بالقوه‌ی سرپیچی وجود ندارد و روش فوکو برای شناسایی روابط قدرت، تمرکز بر نقطه‌ها و گروه‌های مقاومت است.

در تعبیر فوکویی از مفهوم قدرت، قدرت بیش از آنکه در فرد یا نهاد وجود داشته باشد، به یک شیوه‌ی پیچیده، به هم آمیخته و ظریف از طریق تعاملات انسانی، روابط نهادی و پیکربندی‌های فضایی در جامعه نفوذ می‌کند. چنین قدرتی اساساً نسبی است و در تعاملاتی به کار می‌رود که همواره متحرک و متغیر هستند. او قدرت را به منزله کثرت مناسبات نیرو و استراتژی‌هایی که این مناسبات نیرو در آن اعمال می‌شوند، درک می‌کند. تنها طرح عمومی و تبلور نهادینه این استراتژی‌هاست که در دستگاه‌های دولتی و صورت‌بندی قانون و سیطره‌های اجتماعی تحقق می‌یابد. روابط قدرت نیت‌مند و در عین حال غیرسوبژکتیو هستند. یعنی قدرتی وجود ندارد که بدون هدف اعمال شود. ولی در عین حال نتیجه، نیت و هدف یک سوژه فردی نیست. اهداف قابل کشف هستند ولی کسی وجود ندارد که این اهداف را طراحی کند (همان: ۱۰۸).

¹ Conceived Space.

² Spaces of Representation.

³ Lived Space.

ماهیت نسبی و ظریف قدرت به معنای نسبی و ظریف بودن مقاومت نیز هست. فوکو مطرح می‌کند که هر جا قدرت وجود دارد، مقاومت نیز وجود دارد و هیچ‌گاه بیرون از قدرت نیست. «مناسبات قدرت فقط متناسب با کثرتی از نقاط مقاومت می‌توانند وجود داشته باشند: در روابط قدرت، نقاط مقاومت نقش رقیب، آماج، تکیه‌گاه و دستاویز را ایفا می‌کنند.» (همان: ۱۱۱) مقاومت‌ها نیز با تراکم متفاوت در نقاط مختلف زمان و مکان منتشر شده و سیال و موقتی هستند. در این نظرگاه هنگامی که به چگونگی پیکربندی قدرت به‌طور مثال در کنش‌های زنانه و مردانه توجه می‌کنیم، باید به مقاومت و نقاط تمرکز و جریان‌ات آن نیز توجه کنیم.

ارتباط بین فضا و جنسیت که در تعریف فضا به عنوان امر سیاسی تمرکز می‌یابد، به‌طور گسترده‌ای مورد توجه مطالعات جنسیت و فمینیسم واقع شده است. در این حوزه، از جمله در مسئله عدم دسترسی زنان به امکانات شهری برابر، مزایا و معایب تفکیک‌های فضایی برای زنان، زنان و طراحی شهری و به‌طور کلی تأثیر فضاهای شهری بر تولید و بازتولید قدرت و نابرابری‌های جنسیتی مطالعات مختلفی انجام پذیرفته است (اسپین، ۱۹۹۲) (ماسی، ۱۹۹۴). تفکیک‌های فضای عمومی، کاری و آموزشی در فرهنگ‌های مختلف (اسپین، ۱۹۹۲) و به‌طور خاص انتظام جنسیتی فضای شهری در شهرهای اسلامی (ریکر و اسدرعلی: ۲۰۰۸) (امیرا، ۲۰۰۷) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

یکی از مفاهیمی که از طریق تعامل قدرت، جنسیت و فضا شکل می‌گیرد، «فضای جنسیتی» است. فضای جنسیتی مفهومی کلیدی در مطالعات فمینیستی حوزه جغرافیا، برنامه‌ریزی و مطالعات شهری است. «فضای جنسیتی تولیدی اجتماعی است که متناسب با سازمان فعالیت‌های مربوط به مناسبات جنسیتی زنانه و مردانه، شکل گرفته و تجلی می‌یابد» (اسپین، ۳: ۱۹۹۲). این مناسبات و روابط جنسیتی می‌تواند برای فضا و مکان شرایطی را به وجود آورد که موقعیت انسان را که در حال تجربه آن است بازتاب بدهد و مستحکم کند. فضاها و مکان‌ها خودشان ذاتاً جنسیتی نیستند؛ بلکه از طریق معانی نمادین فضا/مکان و پیام‌های جنسیتی که به‌طور واضح منتقل می‌کنند، یا ممنوعیت‌های صریح و خشونت‌بار، بر شیوه‌هایی که به واسطه آن‌ها جنسیت برساخته و فهمیده می‌شود، تأثیرگذارند و این شیوه‌ها را منعکس می‌کنند (ماسی، ۱۹۹۴: ۱۷۹).

اسپین (۱۹۹۲) از طریق مطالعه در زمانی و بین‌فرهنگی به دنبال اثبات این مدعاست که سازمان‌دهی فضایی تفاوت‌های قدرت بین دو جنس را بازتولید می‌کند و دستیابی به برابری جنسیتی مستلزم یکپارچگی فضایی است. کتاب وی با نام «فضاهای جنسیتی» (۱۹۹۲)، از آثار کلیدی در حوزه فضا و جنسیت است و به شیوه‌های تفکیک فضایی براساس جنسیت و ارتباط آن با پایگاه، دانش و قدرت می‌پردازد. شیوه‌های سازمان‌دهی فضایی در خانه، مدرسه و محل کار، عموماً موضوعی بدیهی و طبیعی به شمار می‌رود. اما این سازمان‌دهی از خلال زندگی روزمره خلق می‌شود و قواعد و پیامدهایی برای زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند. همچنین اسپین نشان می‌دهد که نهادهایی که به عنوان واسطه

بین فضای خصوصی و عمومی عمل می‌کرده‌اند، توانسته‌اند در ورود زنان به عرصه عمومی و افزایش دسترسی آنان به خدمات عمومی و اشتغال کمک‌کننده باشند. تأکید اسپین در مورد فضاهای جنسیتی داوطلبانه بر غیراجباری بودن استفاده، توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان و برقراری ارتباط زنان سنتی با فضای عمومی شهری و نقش این نهادها در صنعتی شدن جوامع بوده است (اسپین، ۲۰۰۸). اما چنین نهادهایی را نمی‌توان به صرف غیراجباری بودن با فضاهای اوقات فراغتی مخصوص زنان که توسط برنامه‌ریزان شهری طراحی می‌شوند و صرفاً خدمات‌دهنده هستند، مقایسه کرد. در اینجا مباحث اسپین، به دلیل تبیینی که از تأثیر فضا بر مناسبات جنسیت و عوامل توانمندساز ارائه می‌دهد، مطرح شده است.

پرسش‌های پژوهش

این مطالعه می‌تواند هم از بعد کاربردی و عملی به جهت ارزیابی طرح‌های شهری و هم از بعد نظری به جهت توصیف تفاوت‌هایی که بستر اجتماعی در تولید فضا ایجاد می‌کند، تبیین‌کننده باشد. بررسی این بستر اجتماعی مستلزم توجه به سایر فضاهای زندگی روزمره است. در این راستا دو پرسش برای این پژوهش مطرح می‌شود:

- ۱- استراتژی‌های فضایی بر اساس جنسیت - همچون ایجاد فضاهای تک‌جنسیتی اوقات فراغتی - چه جایگاهی در کنش روزمره و نگرش دختران نوجوان به جنسیت و روابط بین دو جنس دارد؟
- ۲- فضاهای خصوصی و عمومی زندگی روزمره دختران به لحاظ توجه به جنسیت و بدن زنانه چه ویژگی‌هایی دارند؟

روش‌شناسی

مطالعه پیش‌رو، به موجب رویکرد انسان‌شناسانه آن، به دنبال فهم جزئی‌نگر، کل‌نگر (چند بعدی) و زمینه‌مند از موضوع مورد تحقیق است. معرفی دختران نوجوان که خود گروهی یکدست و دارای هویت مشابه نیستند، مستلزم استفاده از روش کیفی است که فرصت کافی برای بازنمایی پیچیدگی‌ها و چندگونگی‌ها را برای محقق فراهم کند. یافته‌های تحقیق قابل تعمیم نیستند، اما به لحاظ تحلیلی و نظری تبیین‌کننده مسئله مورد بحث خواهند بود.

مردم‌نگاری شیوه‌ای برای مطالعه یک گروه با فرهنگ مشترک و مستلزم حضور در میدان (جایی که گروه در آن کار و زندگی می‌کند) و جمع‌آوری انواع اطلاعات حول موضوع مورد مطالعه است. این فرایند عموماً با مشاهده وسیع گروه، مشاهده همراه با مشارکت، مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در تحقیق و استفاده از سایر داده‌های کمی و کیفی همراه

است (کرسول^۱:۶۸:۲۰۰۶). این روش برای توضیح عقاید، زبان، رفتار و مفاهیمی مانند قدرت، سلطه و مقاومت، مناسب است (همان ۷۰).

در مطالعه کیفی محقق ابزار تحقیق است و حضور در محل و موقعیت مورد مطالعه بخشی از فرایند و فنون تحقیق را تشکیل می‌دهد. مشاهده‌گر مشارکتی با دو هدف - مشاهده فعالیت‌ها، افراد و موقعیت‌ها و ورود به یک موقعیت - وارد میدان تحقیق می‌شود. مشاهده‌گر باید دارای دید وسیع برای جمع‌آوری گسترده اطلاعات و نگرش امیک (رویکرد از درون) و اتیک (رویکرد از بیرون) و بازاندیشانه (همراه با درون‌نگری و استفاده از مشاهدات و احساسات خود) باشد (اسپردلی، ۱۹۸۰). در تحقیق حاضر مشاهده فضای خصوصی، عمومی و فضاهای تفکیک‌شده جنسیتی از جمله منزل مصاحبه‌شوندگان، فضاهای مورد استفاده آنان در اوقات فراغت (مانند بوستان بانوان و کافی‌شاپ) از جمله اقدامات محقق برای آشنایی با زمینه و فضای زندگی روزمره مشارکت‌کنندگان تحقیق بود که ضمن توصیف میدان و توضیح یافته‌ها به کار گرفته شده است.

مشارکت‌کنندگان تحقیق، ۱۵ دختر ۱۴ تا ۲۰ ساله ساکن در شهر قم هستند که از فضای بوستان نرگس گه‌گاه یا مستمر استفاده کرده‌اند. البته از دختران بالای ۱۸ سال خواسته شده در مورد دوره نوجوانی خود توضیح دهند. در انتخاب مصاحبه‌شوندگان، داشتن تجربه زیسته در فضاهای شهری و آمادگی بیشتر برای درگیر شدن در تحقیق به عنوان شرایط عمومی مدنظر بوده است. به‌طور خاص، مشارکت‌کنندگانی انتخاب شده‌اند که در زندگی روزمره در فضای خصوصی و عمومی به انتظام فضایی بر اساس جنسیت تأکید و توجه داشته‌اند. بر این اساس، شناخت محقق از سبک زندگی سه نفر از مشارکت‌کنندگان منجر به انتخاب آن‌ها به عنوان مصاحبه‌شونده و اطلاع‌رسان شد. سپس سایر مشارکت‌کنندگان از طریق معرفی این سه نفر و نفرات بعدی یا به عبارت دیگر از طریق روش گلوله برفی انتخاب شده‌اند و تعداد آنان بر اساس اشباع نظری تعیین شده است. البته رعایت انتظام فضایی الزاما به معنی انتخاب آن توسط کنشگر نبوده و تحت شرایط فرهنگی اجتماعی برساخت فضا از جمله در خانه، مدرسه و شهر اتفاق می‌افتد. بنابراین در معرفی افراد از سویی توجه به تفکیک فضایی جنسیتی در زندگی روزمره و از سوی دیگر تنوع در نگرش‌ها به تفکیک یا انتظام فضایی جنسیتی بوده و تلاش شده به تنوع کنش‌ها و نگرش‌های موجود در میدان توجه شود. به علاوه گرچه در یک مطالعه کیفی توجه به انتخاب مشارکت‌کنندگان از همه مناطق و محلات شهری امکان‌پذیر و مدنظر نیست، اما با توجه به موضوع تحقیق که در ارتباط با فضای شهری قرار می‌گیرد، دقت شده است که همه مشارکت‌کنندگان از یک نقطه شهری نباشند و تنوع نسبی در محل سکونت آنان وجود داشته باشد؛ از جمله اینکه محل زندگی مصاحبه‌شوندگان نسبت به بوستان نرگس دارای فواصل متفاوتی است. تعیین محل ملاقات، که بر عهده مشارکت‌کنندگان گذاشته می‌شد،

¹ Creswell.

برای دستیابی به الگوهای انتخاب فضا در زندگی روزمره دختران کمک‌کننده بود. به ویژه به این علت که طی فرایند انتخاب محل ملاقات، معمولاً بوستان بانوان قم پیشنهاد می‌شد، اما در نهایت به علل مختلفی که در یافته‌ها بدان پرداخته خواهد شد، محل قرار تغییر می‌کرد و در نهایت همان فضای منزل به عنوان راحت‌ترین فضا، برای دختران نوجوان شناخته می‌شد. البته دلیل دیگر این انتخاب، به ویژه در مورد مصاحبه‌های اول، آشنایی قبلی و نزدیکی به لحاظ خانوادگی بود که ورود به فضای خصوصی اشخاص را راحت‌تر می‌کرد.

یکی از روش‌های مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه مردم‌نگارانه است. از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته در تحقیقات حوزه‌های مختلف استفاده می‌شود، اما هنگامی مصاحبه به عنوان مصاحبه مردم‌نگارانه قابل تعریف است که محقق طی تحقیق روابط مداوم و دوستانه با مصاحبه‌شوندگان برقرار کند؛ به طوری که مصاحبه‌شوندگان زمان و موقعیت کافی برای تبادل نظر واقعی با محقق را داشته باشند و مصاحبه به اندازه کافی باز باشد تا مصاحبه‌شونده بتواند به طور هدفمند معانی را که به وقایع می‌دهد، برای محقق توضیح دهد (هیل، ۲۰۰۱).

در این تحقیق گرچه محورهای اصلی مشخص بودند، تلاش شد مصاحبه بیشتر شبیه یک گفتگوی دوستانه باشد و مصاحبه‌شونده گفتگو را به سمت دغدغه‌های خود حول موضوع گفتگو هدایت کند. محورهای مصاحبه عبارتند از: ۱- شرح حال فرد. ۲- شیوه‌های ارتباط اجتماعی (سبک زندگی، قواعد و هنجارهای خانوادگی) با جنس مقابل ۳- میزان احساس امنیت و نگرش در مورد عوامل مؤثر بر آن در شهر. ۴- شیوه استفاده از بوستان بانوان و نگرش نسبت به آن ۵- کنش‌ها و نگرش‌ها درباره شیوه استفاده از فضاهای شهری و رابطه اجتماعی با جنس مقابل.

پس از توصیف زندگی روزمره و فضای مورد مطالعه، در مرحله تحلیل، تفسیر و نتیجه‌گیری، مشاهده مردم‌نگارانه با تحلیل مصاحبه‌ها ترکیب شده است و این تحلیل بر اساس تحلیل مضمون^۱ بوده که در آن تأکید بر محتوای متن و گفتگو است. تحلیل موضوع یا مضمون امکان ارزیابی و مقایسه بین چندین مصاحبه را فراهم می‌کند و برای مفهوم‌پردازی و مقوله‌پردازی مناسب است و نسبت به سایر روش‌های تحلیل برداشت عینی‌گرایانه‌تری ارائه می‌دهد (رایزمن، ۲۰۰۸: ۵۳).

برای تأمین اعتبار تحقیق از روش‌های تأمین اعتبار در تحقیقات کیفی و میدانی استفاده شده است. حضور مستمر در میدان تحقیق و جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان (ین ۱۳۸۱: ۵۳) (کرسول ۲۰۰۶: ۲۰۸) از جمله شیوه‌های تأمین اعتبار این تحقیق بوده است. همچنین یافته‌های تحقیق از طریق گفتگو با چند نوجوان دیگر و یک جامعه‌شناس اهل قم مورد بازنگری قرار گرفته و همگرایی روایت‌های آن‌ها و یا واگرایی قابل توضیح این روایت‌ها اعتبار داده‌ها را تأمین می‌کند (رایزمن، ۲۰۰۸: ۱۸۳).

^۱ thematic analysis

یافته‌ها

معرفی میدان

شهر قم با مساحت ۷۳۰ کیلومتر مربع، در فاصله ۱۴۰ کیلومتری از جنوب شهر تهران و به لحاظ آب و هوایی در منطقه گرم و نیمه خشک قرار دارد. این شهر مرکز استان قم است که از نظر مساحت، بعد از استان البرز کوچکترین استان کشور محسوب می‌شود. جمعیت این شهر ۱۲۰۱۱۵۸ نفر بوده است که هفتمین شهر پرجمعیت ایران به شمار می‌رود (خلاصه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، استان قم ۱۳۹۶). به‌طور کلی استقبال از ایده‌های فضاهای تک‌جنسیتی (دانشگاه‌ها، تاکسی، بوستان، کافی شاپ و...) در شهر قم، از طرف مسئولان این شهر (به لحاظ اجرای چنین طرح‌هایی و بیش‌تر بودن تعداد آن‌ها نسبت به سایر شهرها) و متعاقباً مردم (به لحاظ استقبال و استفاده مستمر از این امکانات) نسبت به سایر شهرها بیشتر است. اولین بوستان مخصوص بانوان شهر قم، بوستان نرگس، در سال ۱۳۸۵ افتتاح شده که جزو اولین‌ها در کشور بوده است (پارک بانوان تهران در سال ۱۳۸۷ افتتاح شد) و تا سال ۱۳۹۷ تعداد بوستان‌های بانوان این شهر به چهار بوستان رسیده (که یکی از آنها در شهرک پردیسان قرار دارد) و اختصاص یک بوستان بانوان در هر یک از مناطق هشتگانه این شهر در دستور کار سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قم قرار دارد (پایگاه خبری شفقنا، ۱۳۹۷).

انتظام فضایی و زندگی روزمره

در این بخش بر اساس مصاحبه‌ها و مشاهدات به توصیف فضای خانگی به عنوان فضای خصوصی و کوچک، مدرسه و بوستان به عنوان فضای عمومی با توجه به موضوع انتظام فضایی بر اساس جنسیت پرداخته می‌شود.

در فضای خصوصی زندگی مشارکت‌کنندگان تحقیق، رعایت برخی از قواعد براساس جنسیت محسوس است. حضور پدر و برادر در فضای خانه، فضا را با زمان غیبت آنان متفاوت می‌کند. گفتگو درباره مسائل مربوط به بدن در حضور جنس مخالف محدود می‌شود. همچنین لباس پوشیدن و مدیریت بدن در حضور اعضای مذکر خانواده از هنجارهای خاص خود تبعیت می‌کند. از جمله پوشیدن لباس‌های بلند و گشاد که ناهمواری‌های بدن زنانه را می‌پوشانند و عدم استفاده از لوازم آرایشی در حضور برادر و پدر رعایت می‌شود. به‌طور کلی توجه به زیبایی و آراستن خود تا حد زیادی با جلب توجه جنسی مترادف انگاشته می‌شود. گرچه هر یک از رفتارهای مورد اشاره با توجه به سلايق تربیتی والدین دارای تفاوت‌هایی در شیوه اجرا و میزان پایبندی است؛ اما محور اصلی، عدم انجام هرگونه رفتاری است که تحریک‌آمیز تلقی می‌شود. در این باره سادات ۱۶ ساله می‌گوید: «مثلاً مامان یه کار خوب دیگه‌ای که می‌کردن مثلاً ما بچه بودیم بابامون نبود، می‌داشتن آرایش کنیم. مثلاً لاک می‌زدیم. همین‌ا چون یه دختر بودیم، مثلاً دخترا دوست دارن دیگه این کارا رو. می‌داشتن

انجام بدیم و اینا. ولی مثلاً می‌دیدم دخترای خاله‌ام یا مثلاً به دوستی دارم همسایمونه، اونا نمی‌داشتن، پدرشون اصلاً نمی‌داشت لاک بزین و اینا، می‌گفتن دختر باید ازدواج کنه این کارا رو بکنه.»

در اینجا دختران به عنوان کنشگر تلاش می‌کنند این حساسیت به تابویی بودن بدن زنانه را کمتر کنند. به‌طور مثال بهجت و امینه با وجود اینکه تذکراتی شنیده بودند در مورد اینکه باید برجستگی‌های بدن خود را پنهان کنند، معتقد بودند که این بدن ماست و نیازی به پنهان کردن آن وجود ندارد. در موردی دیگر خواهر بهجت در مقابل این تذکر مادرش مقاومت کرده بود که از او خواسته بود به گونه‌ای سخن بگوید که صدایش از بیرون شنیده نشود. به‌طور کلی بر اساس مشاهدات و مصاحبه‌ها چنین چانه‌زنی‌هایی با والدین به‌طور روزمره بارها تکرار می‌شوند.

در زمان حضور اقوام و آشنایان، تفکیک فضایی در فضای خصوصی خانه هریک از مصاحبه‌شوندگان دارای تفاوت‌هایی است و از جدایی کامل محل نشستن اعضای مذکر و مؤنث فامیل تا دورهم‌نشینی با رعایت حجاب و تمایل زنان به استفاده از فضای آشپزخانه و فضاهای نزدیک به آن، تفاوت دارد. اما به هر حال حضور اقوام و آشنایان در منزل، انتظام فضایی بر اساس جنسیت را پررنگ می‌کند و حجاب شرعی (پوشش کامل و سر و بدن به جز دست‌ها و صورت) در مقابل پسرعمو و پسر خاله/دایی‌ها و شوهر خواهر/عمه/خاله‌ها و ... رعایت می‌شود.

دختران در خانواده‌های پایبند به تفکیک فضایی بر اساس جنسیت معمولاً از آغاز کودکی با این نگرش پرورش می‌یابند که در سن ۹ سالگی برای رعایت حجاب شرعی و مناسبات اجتماعی بر اساس محرمیت آماده باشند. آموزش محدودیت‌های شرعی مربوط به محارم از نه سالگی شروع شده و به تدریج بازی و شوخی و گفتگو بین دختران و پسران فامیل محدود می‌شود و در حدود همین سن از ورود به فضاهای مردانه و بازی در فضای عمومی مثل کوچه منع می‌شوند. این موضوع فرایندی تدریجی است که طی یک یا چند سال اتفاق می‌افتد. در برخی از خانواده‌ها بازی کودکان با در فضای بیرون منزل تا سن ۱۱ و ۱۲ سالگی، البته نه در گروه‌های مختلط با پسران، ادامه می‌یابد.

در گفتمان سنتی و مذهبی هر نوع رابطه بین دو جنس پیش و خارج از قرارداد ازدواج کاملاً ممنوع و غیرمجاز شمرده می‌شود. خانواده‌ها و مسئولین مدارس به‌طور کامل آنرا نفی کرده و غیرقابل بخشش می‌دانند. فضاهای عمومی شهری کمترین فرصت را برای چنین روابطی ایجاد می‌کند. مدرسه‌های تک‌جنسیتی، کنترل زندگی روزمره، فضا، زمان و روابط در زندگی نوجوانان، گرایش والدین به ازدواج هر چه زودتر فرزندان، با هدف کاهش هرچه بیشتر امکان برقراری روابط دوستی بین دو جنس صورت می‌گیرند.

مدرسه به عنوان اولین فضای عمومی که کودکان تجربه می‌کنند، از سیاست‌ها و مدیریت کلان آموزشی پیروی می‌کند. تفکیک جنسیتی مدارس، عدم ارائه آموزش جنسی، نظارت و کنترل بدن و ... مصادیقی از رویکرد کلی برای درونی کردن انضباط جنسی مبتنی

بر پرهیز است. علاوه بر این، استقبال از انواع مدارس دینی که یکی از دلایل آن انتخاب محیط «سالم‌تر» این مدارس عنوان می‌شود و همراهی فرزندان در رفت و آمد به مدرسه و سایر فضاهای شهری که در مورد یکی از مصاحبه‌شوندگان تا سنین پایان دوره متوسطه ادامه داشت، نمایانگر تأکید بیشتر والدین بر نیاز به کنترل و مراقبت از دختران در فضای عمومی است. همچنین یکی از مصاحبه‌شوندگان به نگرانی و اعتراض مادرش و والدین سایر همکلاسی‌هایش از حضور همکلاسی‌های متأهل در کلاس درس پرداخت. این والدین گرچه خود موافق با ازدواج دختران زیر ۱۸ سال هستند (مصاحبه‌شونده در ۱۶ سالگی ازدواج کرده است)، مایل‌اند فرزندانشان تا پیش از ازدواج به لحاظ ذهنی با مسائل مربوط به آن درگیر نشوند. به همین منظور دستیابی به دانش جنسی برای کودکان آسیب‌زننده ارزیابی می‌شود.

روابط صمیمانه و دوستانه، در جمع‌های خانوادگی و همسایگی، بین دو جنس از ۹ تا ۱۲ سالگی به تدریج قطع می‌شود. رفت‌وآمد دختران به مدرسه کاملاً کنترل و نظارت شده و گذران اوقات فراغت در شهر تنها با حضور خانواده امکان‌پذیر است. البته در زمینه حدود کنترل و نظارت می‌توان به طیفی از والدین دارای انعطاف نسبی تا کاملاً غیرمنعطف قائل بود. مصاحبه‌شوندگان با والدین «غیرمنعطف» تمامی قواعد ذکر شده را رعایت می‌کنند و مصاحبه‌شوندگان با والدین «منعطف» در برخی از این موارد انعطاف بیشتری اعمال می‌کنند. به‌طور مثال در مورد رفت‌وآمد به مدرسه و گذران اوقات فراغت در شهر به نظارت غیرمستقیم اکتفا می‌کنند و فرصت بیشتری برای گذران اوقات فراغت در شهر به همراه همسالان همجنس می‌دهند.

کنش‌ها و نگرش‌ها درباره بدن زنانه در فضای عمومی

در این مبحث باید توجه داشت که در فرایند انضباط، قدرت از یک امر بیرونی و قابل رؤیت به قدرتی درونی شده در فرد تبدیل می‌شود. در این صورت قدرت همزمان دو نقش ایفا می‌کند؛ هم به صورت بیرونی فرد را به کنترل خود درمی‌آورد و هم فرد خودش را تحت سلطه خویش می‌گیرد. در نتیجه چنین فرایندی بدنی مطیع و فرمانبردار، قابل تغییر و قابل استفاده و قابل کنترل حاصل می‌شود (فوکو ۱۳۷۳). بنابراین هنجارهای مربوط به جنسیت نه تنها از طریق حساسیت‌های بیرونی و انواع کنترل یا تنبیه مثل بی‌توجهی، تحقیر، سرزنش و یا تشویق اجرا می‌شوند، بلکه کنش‌ها و نگرش‌های خود افراد نیز بیانگر هنجارهای درونی شده هستند. از طرف دیگر کنش‌ها و نگرش‌هایی قابل پیگیری هستند که مقاومت در برابر قدرت را بازنمایی می‌کنند.

با ورود به سن نوجوانی، دختران برای ورود به فضای عمومی با محدودیت بیشتری مواجه می‌شوند و همین امر پسر بودن را برای دختران در اواخر دوره کودکی جذاب می‌کند. همه مصاحبه‌شوندگان در آغاز دوره نوجوانی یا اواخر کودکی آرزو یا حسرت پسر بودن را به مثابه راه‌هایی از محدودیت‌های فضایی در سر داشته‌اند. به عنوان مثال سادات

۱۶ ساله می‌گوید: «... بازی‌های اکشن دوست داشتم، دوست داشتم پسر باشم. تا سن تکلیف با پسرهای فامیل بازی می‌کردم، ولی به تدریج که به سن تکلیف رسیدم قطع شد. آن موقع دوست داشتم پسر باشم تا بتونم توی کوچه بدمینتون و دوچرخه بازی کنم.»

این احساس حسرت یا اعتراض در مورد دخترانی که خود را با برادر مقایسه می‌کنند بیشتر است. برادر و به خصوص برادر بزرگ‌تر نسبت به خواهر، دارای موقعیت برتر بوده و علاوه بر آزادی عمل بیشتر برای حضور در فضای عمومی، دارای قدرت کنترل در مورد خواهر نیز هست. بهجت ۱۷ ساله در این باره می‌گوید: «بعضی اوقات خیلی بدم میاد از دختر بودنم. نه اینکه مثلاً بگم خانواده‌ام بدند نه، من بهترین خانواده رو دارم... از این بدم میاد به بابام بگم بابای من شما سایه‌ات بالا سر من هست، اون وقت باید داداش من بیاد گوشی من رو نگاه بکنه؟ بابام جلوی داداشم بهم بگه من خودم بهش گفتم. ... داداش من که خودش توی دوره مجردیش هر کاری می‌خواست کرده به آبجیش که می‌رسه اینجوری تعصبی می‌شه؟ که آبجی خودش مبادا یکی بیاد مخش رو بزنه؟ ولی خودت مخ هر دختری رو زدی؟»

در این بستر زندگی روزمره، با تأکید بر تفاوت بین دو جنس، تعریف دختران از خودشان و از بدن زنانه به عنوان «بدن اغواگر» و تعریف از میل جنسی مردانه به عنوان «غریزه طبیعی» و «غیرقابل کنترل» بسیار پررنگ می‌شود. به طوری که احتمال تحریک‌کنندگی زن و دختر برای اعضای خانواده نیز منتفی نمی‌شود و دختر و مادر مسئول حفظ سلامت روابط درون خانواده هستند. بنابراین آن‌ها باید بدن زنانه را که بیرون از فضای خصوصی به خاطر عدم تحریک مردان می‌پوشانند، در خانه نیز با تفاوتی اندک بپوشانند. زهره ۲۲ ساله که در خانه پدری لباس‌های بلند و گشاد می‌پوشد، در این باره می‌گوید: «به نظر من اصلاً کار درستی نیست کسی جلوی پدر و برادرش آرایش کنه.» حتی من یادمه یکی از دوستانم می‌گفت من می‌رم تو خونه جلوی آینه فلان مدل مو رو درست می‌کنم. گفتم مثلاً جلوی پدرت؟! ... بعضیا می‌گن ما اعتقاد نداریم به این دیگه، پدر پدره. ولی نه ممکنه اتفاق بیفته. ما دفاعی داشتیم سال سوم راهنمایی، قشنگ خانوم معلمه تعریف کرد. گفت یه همچین اتفاقی تو خانواده مذهبی هم افتاده. پدره گفته خوب چرا مثلاً دخترمو یکی دیگه مثلاً ببره؟ چرا؟ وقتی یه همچین چیزایی بوده آدم درک می‌کنه دیگه هر چیزی یه قاعده و قانونی داره. چه لزومی داره من بخوام جلوی پدرم یا برادرم این کارو بکنم. یا مثلاً وقتی برادر من به سن بلوغ می‌رسه. پسرا بالاخره دوست دارن. خوششون میاد. اون دفعه رادیو بود داشت طرف جواب سوال می‌داد می‌گفت چیکار کنم من یه پسر. خواهر و مادرم اینجوری جلوم می‌گردن من دلم می‌خواد.»

الگویی که تقریباً برای همه دختران مورد مصاحبه پذیرفته شده است، مربوط به حضور در فضای عمومی به شیوه‌ای بسیار محافظه‌کارانه و به گونه‌ای است که کمترین توجه را به خود جلب کند. بیشتر نوجوانان مورد مصاحبه - با درجات متفاوت از حضور در فضای عمومی - در مورد اینکه امنیت زن باید توسط خود او تأمین شود، توافق دارند. آن‌ها

معتقدند که در شهر امنیت دارند و در عین حال رعایت محدودیت‌های زمانی و مکانی و محدودیت‌هایی را که بر بدنشان اعمال می‌شود، بدیهی در نظر می‌گیرند.

در این زمینه که زن در فضای عمومی باید چگونه از خود مراقبت کند، عوامل مختلف از جمله رفتار و حرکات، نوع پوشش، زمان و مکان حضور در شهر دارای اهمیت است. مشارکت‌کنندگان تحقیق در مورد رفتار و پوشش به یک اندازه تأکید دارند و اصطلاح کلیدی «جلب توجه‌کننده بودن» را مبنای مقایسه و ارزیابی قرار می‌دهند. آزاده ۱۵ ساله که نسبت به دختران همسالش آزادی بیشتری در رفت و آمد و گذراندن اوقات فراغت خارج از منزل دارد، در این باره می‌گوید: «خیلی مواظب ظاهرهم، وقتی که مثلاً تنها میرم. شاید با خانواده برم اینقدر نباشه ولی اولی ظاهره بعد چیز دیگه. رفتارم خیلی مهمه تأثیر میذاره، تأثیر داره. مثلاً طرف مقابل می‌بینه چه رفتاری داری ... یه رفتار خامی مثلاً کنی، یه رفتار بچگانه کنی، مثلاً بخندی بلند اینا. ظاهرهم کاملاً پوشیده‌اس ... هیچی نباشه که توجه کسیو جلب کنه. خیلی مهمه، آره توی جامعه هم می‌بینم خیلی مهمه ظاهر، چون ممکنه شما مثلاً خیلی متین باشی، نه خنده‌ای چیزی و یا حتی آرایشم نداشته باشی، ولی مثلاً به شال قرمز پوشیده باشی یا مثلاً موها تو اینقدر بذاری بیرون، ولی مهمه ... باعث می‌شه که نظر جلب بشه. با اینکه مثلاً نمی‌خندی بلند بلند یا کارای چیزی انجام نمی‌دی، کارایی که دور از شأن یه دختره و اینا.»

در مورد احساسات جنسی و تحریک‌پذیری مردان، زهره و خواهرش بیشتر معتقد به غالب بودن غریزه و کنترل‌ناپذیر بودن آن هستند. این دیدگاه که به نظر می‌رسد گفتمان غالب سنتی است، در مصاحبه با اشاره به صحبت‌های سخنرانان و مربیان مذهبی و اخلاقی تأیید می‌شد. بعد از ازدواج و تجربه ارتباط با جنس مخالف، همسران آن دو نیز دارای همین رویکرد بوده و بنا بر این ازدواج نیز باعث تقویت آن شده بود.

سادات: همسرم می‌گفت که مردا تصورشن خیلی قویه. مثلاً روی دست یا روی پا رو ببینن می‌تونن کل بدنو تصور کنن. زهره: آفرین آره اینو همسر من هم بهم گفت. سادات: هیچ وقت این به ذهنمون خطور نمی‌کرد مثلاً یه پسر اینقدر توانایی داشته باشه. زهره: وقتی وارد زندگی شدم همسرم گفت طرف در ثانیه اینو نگاه کنه شاید بتونه چه کارا بکنه. بعد از اون من عذاب وجدان می‌گیرم می‌رم بیرون یه لباسی رو می‌پوشم. می‌گم نکنه مثلاً یه مردی با این لباس تحریک بشه. چون انواع مختلف مردا با یه نوعی تحریک می‌شن. خوب اون دست خودشه؟ نیست که بنده خدا. یعنی یه چیزی نیست که خودش پرورش داده باشه. مثلاً یه بنده خدایی می‌گفت من خانوم باحجاب دوست دارم. خوب وقتی این میره بیرون، شاید یه نوع حجاب خاصی رو ببینه، شاید بشه خوب! آدم وقتی که ویژگی‌های مردا رو بیشتر می‌شناسه، یه خورده مراقبتاش بیشتر می‌شه، یا مثلاً بعضی مردا از صدای زنا خوششون میاد مثلاً از قیافه یه خانومی خوششون میاد... سادات (با تعجب و آشفتگی): نگاه نکنه!!! زهره: نگاه نمی‌کنه! سادات: ببین هر مردی با یه دست، اینجوری...!!! آگه اینطوری باشه که هر کی... واسه خودش باغ وحشی می‌شه!

البته چنان که مشاهده می‌شود، این دیدگاه که مرد را در موقعیتی معصومانه در مقابل زنی قرار می‌دهد که با وجود رعایت کامل حجاب شرعی و پوشیدن چادر عذاب وجدان و احساس گناه دارد، خود با تناقض مواجه می‌شود. اما در نهایت بیشترین احتیاط و کنترل را متوجه زن می‌داند که نباید در هیچ حالتی توجه جنس مخالف را به خود جلب کند. زیرا فاصله چندانی بین «جلب توجه» و «تحریک» جنسی متصور نیست.

بعضی از مصاحبه‌شوندگان مانند سارا و باران، یا امینه این سرکشی غریزه را به همه مردان نسبت نمی‌دهند، بلکه آن را در ارتباط با سبک زندگی روزمره یا فضای اجتماعی شهر درک می‌کنند. به‌طور مثال امینه ۱۷ ساله می‌گوید: «پسرای قمی جنبه شو ندارن. کلاً جنبه با دخترا بودن رو ندارن. کلاً دختر ببینن تو خیابون از هوش می‌رن... من خودم به شخصه از پسرای قمی خوشم نمیاد. چون پسرای قمی یه جوری محدود بودن، بعد وقتی با یه دختر حرف می‌زنن می‌خوان همه عقده‌هاشونو خالی کنن. وقتی حرف می‌زنن کلاً هول‌ان. مثل اینکه اصلاً با هیچ کس نبودن. در حالی که بودن. حتی بچه پولدارها، شاخای اینستاگرام... می‌بینی اومده دم بوستان نرگس و ایستاده دید می‌زنه. ساعتایی که دیگه دخترا میان بیرون جمع می‌شن. پلیس هم میاد گشت می‌زنه. بعضی موقع‌ها جمع می‌کنه ولی مثل مورچه پخش می‌شن دوباره برمی‌گردن اونجا.»

انواع عاملیت در فضای عمومی

در مصاحبه‌های انجام شده می‌توان از سه نوع استراتژی یا عاملیت در بستر زندگی روزمره سخن گفت که بر روی طیفی از پذیرش تا مقاومت قرار دارند. دو نفر از مشارکت‌کنندگان به نام‌های مستعار زهره و سادات انتظام فضایی مبتنی بر جنسیت را پذیرفته‌اند. سادات در سن ۱۶ و زهره در ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. زهره که برای انتخاب دانشگاه بر تفکیک جنسیتی تأکید داشته و در انتخاب شغل تنها فضاهای تفکیک شده را مورد توجه قرار می‌دهد و سادات که بعد از ازدواج به تحصیل در دبیرستان ادامه می‌دهد، در اوقات فراغت بیشتر به هنرها و صنایع دستی در خانه، مانند چرم‌دوزی می‌پردازد و پیش از ۱۸ سالگی مادر شده است. این دو نفر در منزل خود نیز همانند منزل پدری محل نشستن زنان و مردان میهمان و سفره آن‌ها را جدا از هم در نظر می‌گیرند. بنابراین اگر فرصتی برای تفریح خارج از خانواده و با دوستان بیابند، فضاهای تک‌جنسیتی را ترجیح می‌دهند. این دو نفر به خانواده‌های دارای سبک غیرمنعطف در انتظام فضایی متعلق هستند.

گروهی دیگر از دختران که خانواده آن‌ها نیز به لحاظ رعایت انتظام فضایی غیرمنعطف هستند، از شیوه‌های مختلف مقاومت در مقابل قواعد جنسیتی فضایی استفاده می‌کنند. مقاومت آنان بیشتر در قالب «پنهان‌کاری» انجام می‌شود. این پنهان‌کاری رایج و در جمع دوستان و همسالان پذیرفته شده است و مورد حمایت آنان نیز قرار می‌گیرد. زینب که خود در گروه بعدی توصیف خواهد شد، در این باره می‌گوید: «من خودم یکی از آدمایی بودم که گوشه می‌دادم به بقیه... از اکیپ دوستای خودمون مثلاً یکی گوشه نداشت یا

خونوادشون متوجه شده بود گوشه‌شو گرفته بود، حالا می‌اومدن اونجا (بوستان نرگس) گوشه‌می‌گرفتن یا سیم‌کارتشونو می‌انداختن رو گوشه‌من. توی مدرسه هم همین‌طور من بیشتر روزا گوشه‌می‌بردم ولی خودم هیچ استفاده‌ای ازش نمی‌کردم. به همه می‌دادم. اونا هم یا سیم‌کارت خودشون رو می‌انداختن روش یا شارژمی‌خریدن یا دوست پسرشون براشون شارژمی‌خرید.»

از آنجا که سبک غیرمنعطف، نه تنها در خانواده بلکه در مدرسه و سایر فضاهای عمومی غالب است و کمترین امکان را برای مقاومت در برابر هنجارهای فضایی ایجاد می‌کند، ابزارهای فناورانه و فضای مجازی به عرصه‌ای برای مقاومت تبدیل می‌شود. گرچه خانواده‌ها استفاده از تلفن همراه و اینترنت را تا حدی کنترل می‌کنند، عادی شدن پنهان‌کاری باعث شده که استفاده از سیم‌کارت «مخفی» و دستیابی به شبکه‌های اجتماعی که خانواده با استفاده از آن‌ها مخالف هستند، به عملی رایج بین نوجوانان تبدیل شود. ارتباط با دوستان همجنس و غیرهمجنس از طریق تلفن همراه و فضای مجازی، دستیابی به دانش جنسی در این فضا و تبادل اطلاعات با دوستان از جمله رفتارهای رایج در بین نوجوانان است که اجتناب خانواده برای دستیابی نوجوانان به این ابزارها نیز تأثیر چندانی در جلوگیری از آن ندارد. زیرا چنان که در نقل قول از زینب مشاهده شد «همدستی» دوستان همجنس و ناهمجنس می‌تواند امکان‌هایی را برای آنان فراهم کند.

دو موضوع رواج دوستی با جنس مخالف و محدود بودن امکان استفاده از فضاهای تفریحی، انگیزه‌هایی بودند که امینه برای دوستی با جنس مخالف ذکر می‌کند. او در مورد علل درد دل کردن و دوستی با جنس مخالف بیش از هر چیز بر جنبه‌ی سرگرمی و تنها بودن تأکید می‌کند و می‌گوید: «مشکل اینجاست که دوستای من یا همه با یکی دیگه (جنس مخالف) هستند یا اونقدر محدودند که نمی‌تونن چت کنن. نمی‌تونن راحت برن بیرون» بخشی از این محدودیت با طراحی بوستان‌های بانوان از بین می‌رود و امکان گذران اوقات فراغت با دوستان همجنس در محیطی امن و مورد تأیید خانواده برای این گروه فراهم می‌شود.

یکی دیگر از مصادیق پنهان‌کاری در اصطلاح «پیچاندن» به معنی تغییر مسیر از یک محل مجاز به یک محل غیرمجاز جلوه می‌کند. به‌طور مثال امینه ۱۷ ساله می‌گوید: «من اکثر بیرون رفتنم یه جورایی پیچونده. یعنی مثلاً می‌گم می‌رم استخر ولی نمی‌رم استخر، می‌رم می‌گردم» بهجت ۱۷ ساله یکی از دختران این گروه است که با وجود همراهی همیشگی والدینش تا محل باشگاه ورزشی و مدرسه و منزل دوستش، از طریق فضای مجازی با جنس مخالف رابطه دوستی برقرار کرده و سپس در فضای شهر چند بار او را ملاقات کرده است. بعد از مصاحبه با او متوجه شدم که اصلاً اجازه رفتن به بوستان نرگس را بدون همراهی مادرش نداشته و به همراه دوستش به بهانه «کلاس فوق‌العاده» به آنجا آمده بود. یکی از قرار ملاقات‌ها با دوست جنس مخالف هم به بهانه شرکت در مسابقه‌ای در

بوستان بانوان و کنسل شدن آن اتفاق افتاده بود که در این مورد نیز «پیچاندن» و همراهی یا «همدستی» دیگران هر دو کمک کننده بودند.

در مورد محل ملاقات با دوست جنس مخالف، امینه معتقد است در پارک‌ها و فضای عمومی امکانی برای برقراری ارتباط صمیمانه و نزدیک وجود ندارد و گشت‌های انتظامی حتی در صورت همراهی یک دختر و پسر (بدون انجام هیچ رفتار جنسی) آن‌ها را «دستگیر» می‌کنند. (در اینجا بیشتر درک و ارزیابی او از وضعیت موجود و تأثیر آن بر رفتارش قابل تامل است). علاوه بر این تمایل به کنترل و تصحیح رفتار نوجوانان در بین عموم نیز برای چنین مواردی محدودیت ایجاد می‌کند. بنا بر این بیشتر روابط دوستی - که از نظر امینه به رابطه بدنی نزدیک هم می‌رسند - وارد کافه‌ها و منازل (با اصطلاح «مکان») می‌شوند. او خود تا کنون سه پسر را به‌طور پنهانی به اتاقش که در زیرزمین منزلشان است دعوت کرده است. اما بهجت که همانند امینه فضا و فرصت مناسبی برای ملاقات در منزل را نداشته است، گرچه مواردی از اعتراض و مداخله شهروندان را درباره همراهی با دوستش و تبادل هدیه در فضای عمومی تجربه کرده بود، در معابر خلوت به رابطه نزدیک بدنی با دوست خود پرداخته است.

گروه سوم از دختران مورد مصاحبه یا گروه «منتقد»، در مورد عدم انعطاف در انتظام فضایی موجود انتقاد دارند، ولی در مقاومتشان در مقابل و مخالفت کامل قرار نمی‌گیرند و محافظه‌کارانه عمل می‌کنند. از جمله سارا، زینب و فاطمه در این گروه هستند، پیش‌تر در مورد کمک سارا و زینب به سایر دوستانشان در دسترسی به تلفن همراه و همچنین گذراندن اوقات فراغت در کافه‌ها و اماکن عمومی نقل قول شد. پوشش این گروه نسبت به گروه اول مورد بحث تا حدی متفاوت است و به‌طور مثال سارا از چادرهای ملی، دانشجویی و ... با آرایش چهره‌ای محافظه‌کارانه استفاده می‌کند و زینب به تازگی از پوشیدن چادر امتناع می‌کند، ولی در مورد آرایش چهره و پوشاندن موهایش محافظه‌کارانه عمل می‌کند. این گروه دارای خانواده‌هایی با سبک منعطف بوده و خارج از فضای مدرسه، در مقایسه با سایر دوستانشان دارای آزادی عمل بیشتری در رفت و آمد در شهر هستند. استفاده یا عدم استفاده از فضاهای اوقات فراغتی تک‌جنسیتی در این گروه تا حدی وابسته به تمایل و انگیزش سایر دوستان و دوری و نزدیکی محل سکونت از چنین فضاهایی است. البته برخی از این گروه که به کلی مخالف استفاده از چنین فضاهایی هستند، در مقابل چنین انگیزش‌هایی مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند. به‌طور مثال آزاده که با بیشتر همکلاسی‌ها و بچه‌های مدرسه‌اش رابطه دوستانه و صمیمانه دارد و رازدار آنان در مورد تخطی‌هایشان از هنجارهای فضایی (دوست شدن با پسران، گذران اوقات فراغت در میتینگ‌های گروهی و...) است، به کلی با استفاده از بوستان یا کافه مربوط به بانوان مخالف است.

بوستان نرگس

بر اساس مصاحبه با یکی از مشارکت‌کنندگان که از آغاز تأسیس به‌طور مستمر از این بوستان استفاده می‌کرده است، در سال‌های اولیه، تعریفی از حد پوشش وجود نداشته و بانوان با لباس مربوط به فضای خصوصی مانند تاپ و شلوارک در پارک تردد و جشن و رقص و پایکوبی برگزار می‌کردند. اما پس از مدتی قوانین محدودیت پوشش و ممنوعیت موسیقی در این محیط اجرا شده است. علتی که برای توجیه این قوانین ارائه شده آپارتمان‌سازی‌های اطراف بوستان و خدمهٔ مرد (که به دلایل فنی حداقل هفته‌ای یک روز ناچار به ورود پارک هستند) بوده است. برخی از استفاده‌کنندگان از فضا نیز گاهی چنین کنترلی را مطالبه می‌کنند و مطالبه آنان، با توجه به همسویی با گفتمان غالب برنامه‌ریزی، مورد توجه و پذیرش است. در حال حاضر بانوان فقط امکان برداشتن چادر را دارند و ورود پسران زیر ۶ سال به بوستان مجاز است. بازرسی بدنی و ممنوعیت استفاده از تلفن همراه وجود ندارد، اما در صورت مشاهدهٔ افراد در حال عکاسی، با این مسئله برخورد می‌شود. نکتهٔ جالب در مورد نظارت بر قوانین در این پارک، استفاده از مأموران مخفی (لسان، ۱۳۸۷) می‌باشد که در مراجعهٔ حضوری به این پارک نیز نیروهای انتظامات با لباس مشخص مشاهده نشدند. در این بوستان امکان آزادی کامل در نوع پوشش فراهم نیست. اما استفاده از کافی‌شاپ، گردش در فضای باز بدون استفاده از چادر و در نتیجه نمایان شدن با لباس‌های «مد» روز و استفاده از دوچرخه از جذابیت‌های این فضا برای دختران است. همچنین برخی از محدودیت‌ها در مورد موسیقی و رقص و ... تا جای ممکن از طرف نوجوانان نادیده گرفته می‌شود.

نوع مواجههٔ دختران مورد مطالعه و میزان آزادی آنان برای استفاده از این فضا با هم متفاوت است. یکی از دلایل این تفاوت، گرایش به کنترل فضایی و روابط اجتماعی دختران است که باعث می‌شود والدین «غیرمنعطف» کمتر اجازهٔ آمدن آن‌ها به بوستان را بدهند. به‌طور مثال مادر یکی از دختران حتی از صمیمی شدن «بیش از حد» دخترانش با دختران دیگر نیز نگران بود. به همین علت دختران وی کمتر از سایر دوستانشان اجازه تفریح در بوستان بانوان به همراه همسالانشان را داشته‌اند. شادی ۱۷ ساله در مورد سختگیری والدینش موارد مختلفی را تعریف کرد که از جمله آن مربوط به بوستان نرگس است: «با التماس و خواهش، بابا مامان با همون فلانی ام. فلانی کیه؟ این کیه... حالا تمام طومار و زندگیش رو باید تعریف بکنی تا این بنده خدا کیه. می‌گم بابا این بوستان نرگس نزدیک خونمونه، خیابون اونور... بابام به مامانم می‌گه یا خودت برو باهاتش یا اصلاً نره.»

برای دختران نوجوان، با توجه به شور و نشاط نوجوانی و تمایل برای گذراندن اوقات فراغت با دوستان و همسالان، به ویژه در مورد دخترانی که از طرف خانواده حساسیت و کنترل بیشتری احساس می‌کنند، بوستان بانوان یک امتیاز و فرصت مناسب محسوب می‌شود. از سوی دیگر برای خانواده‌های «منعطف»، بوستان نرگس محیطی قابل قبول است که می‌توان با خاطری آسوده نوجوانان را به آنجا فرستاد. سارا ۲۴ ساله درباره گذران اوقات

فراغتش در زمان تحصیل در دوره متوسطه چنین می گوید: «تو هر خیابون اینقدر فست فود، اینقدر بستنی فروشی (هست و ما از آن ها استفاده می کردیم). ما حتی ... آها ما اون سال بوستان نرگس خیلی می رفتیم. یعنی سوم راهنمایی و اول دبیرستانم هفته ای یه بار بوستان نرگس بودیم که زنونس... تولدامونو اونجا می گرفتیم. مثلاً کیک و این چیزا می بردیم اونجا. خیلی می رفتیم. بعد از ظهرا می رفتیم دوچرخه سواری می کردیم یا همین طوری می نشستیم اونجا. دیگه دبیرستان به اینور دیگه مثلاً بستنی می رفتیم می خوردیم یا پیتزا بریم بخوریم، همین بود تفریحمون. جای دیگه ای... سینما می رفتیم.»

در گفتگوی فوق بوستان نرگس گرچه به علت نزدیکی به محل زندگی، به طور مستمر مورد استفاده قرار می گرفته است، ولی یکی از چندین مکانی بوده که مصاحبه شونده و دوستانش اجازه استفاده از آن را داشته اند.

استفاده از این فضا برای برخی از مصاحبه شوندگان در اولویت قرار ندارد و تنها به دلیل تبعیت از دوستان یا به دلیل محدود بودن انتخاب ممکن است، گاهی از آن استفاده کنند. به طور مثال فاطمه ۱۴ ساله، به خاطر دور هم بودن با دوستانش گاهی به بوستان نرگس می آید و تقریباً با محدودیت ها و قواعدی که در آن اجرا می شود، سازگار شده است. مهدیس ۱۴ ساله که امکان استفاده از سایر فضاهای اوقات فراغتی را دارد، کمتر بوستان بانوان را انتخاب می کند، زیرا پارک های مجهز به وسایل بازی را ترجیح می دهد و همچنین از محدودیت های بوستان بانوان رضایت ندارد. اما گروهی دیگر از مشارکت کنندگان که همچنان به استفاده از این فضا علاقه مند هستند، به محدودیت هایی که با آن مواجه شده بودند، اعتراض دارند. شادی ۱۶ ساله از مواردی صحبت می کند که به دلیل به همراه داشتن مانکن برای طراحی لباس که مربوط به فعالیت درسی اش بوده، امکان استفاده از این بوستان را پیدا نکرده است و یا به علت حضور مردان (برای رسیدگی به فضای سبز و...) امکان برداشتن روسری برایش فراهم نبوده است.

همچنین تکنیک های فضایی که با هدف درونی کردن نوعی از هویت و ارزش های معطوف به آن عمل می کنند، در مقابل نقاط مختلف مقاومت را ایجاد می کنند. به طوری که نوجوانانی که در زندگی روزمره نیز همواره در حال چانه زنی و مقاومت برای بازتولید تفسیر و ادراک خود از هویتشان و فضای زیسته هستند، در این گونه فضاها نیز استراتژی های خود را امتداد می دهند. یکی از مشارکت کنندگان می گوید: «منو موقع سیگار کشیدن با مهشید گرفتن، گفتم مامانم تو کماس (و از روی ناراحتی زیاد سیگار می کشم)، نگو همون موقع مامانم در به در تو بوستان دنبال من بود. خدا رو شکر پیجم نکردن آبروم بره...»

در این میان نظرات متفاوتی هم وجود دارد که الزاماً منحصر به بوستان بانوان نیست و شامل همه محیط های تفکیک شده ی اوقات فراغتی می شود. به طور مثال آزاده ۱۵ ساله که عضو خانواده ای مذهبی است و نسبت به بیشتر دوستان و همسالانش آزادی عمل بیشتری دارد، دغدغه اش بازنمایی هویتی است. او که اوقات فراغتش را به همراه چند نفر از دوستانش به سینما و کافی شاپ (عمومی) می رود، معتقد است تنها زنان مذهبی از

محیط‌های تفکیک شده استفاده می‌کنند و این امر حضور آنان را در جامعه نامرئی می‌کند. او دوست دارد که خودش را به عنوان یک دختر مذهبی، با حجاب کامل چادر در جامعه نشان دهد و موافق این نیست که در فضاهای زنانه «پنهان» شود. همچنین باران که در دانشگاه دوجنسیتی تحصیل می‌کند و در دوره دبیرستان به‌طور مستمر از بوستان بانوان استفاده می‌کرده است، اکنون به‌طور کلی با فضاهای تک‌جنسیتی مخالف است، زیرا اعتقاد دارد موقعیت و امکانی که به‌طور تصنعی در این فضاها برای زنان ایجاد می‌شود، در نهایت تأثیری در دستیابی به عدالت اجتماعی نخواهد داشت.

تحلیل و نتیجه‌گیری

در آغاز بر اساس پرسش فرعی پژوهش مبنی بر توصیف فضاهای خصوصی و عمومی زندگی روزمره دختران به لحاظ توجه به جنسیت و بدن زنانه، به توصیف مختصری از سیاست‌ها و روابط درون خانواده و تفکیک‌های فضایی بین دو جنس پرداخته شد و نشان داده شد که چگونه استراتژی فضایی تفکیک جنسیتی بر ادراک و تجربه زیسته کاربران درباره هویت و جنسیتشان تأثیر می‌گذارد. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق در زندگی روزمره و سبک زندگی سنتی‌شان که فضای اجتماعی نیز از آن حمایت می‌کند، رابطه‌ای حداقلی اجتماعی با جنس مخالف را تجربه می‌کنند. این روند ممکن است در ابتدا به صورت اعمال قدرتی از بیرون بر رفتارها و حرکات احساس شود، اما به تدریج شکل انضباط درونی به خود می‌گیرد. زنان بدن خود را بدنی ضعیف و شکننده و در معرض گمراهی و فساد (موسوی، ۱۳۹۴: ۷۴ و ۷۹) در نظر می‌گیرند. چنانکه ابراهیم پور نیز بیان می‌کند «زنان همواره با ایده پوشاندن بدنشان و خارج کردن آن از عرصه عمومی مواجه می‌شوند. بنابراین ایشان فرصت دیدن و دیده شدن بدنشان را نمی‌یابند، و این امر باعث می‌شود بدن ایشان در مقام یک کلیت، همواره تحت سیاست انکار و حذف واقع شود» (۱۳۹۲: ۲۲۵)

در چنین شرایطی است که در آغاز ورود به دوره بلوغ و نوجوانی، دختران به تعبیر موسوی دچار «از خود بیگانگی جنسیتی» می‌شوند (موسوی ۱۳۹۴، ۹۷-۱۱۱). نارضایتی از جنسیت که در یافته‌های تحقیق بازتابی شد، یکی از مشخصات این از خود بیگانگی است. در مرحله بعد با درونی کردن شرایط و محدودیت‌های فضایی، نوجوان خود را به عنوان جنس ضعیف و اغواگر که مسئول حفاظت اخلاقی از جامعه است، تعریف و بر اساس آن عمل می‌کند. در این میان باید به این نکته نیز توجه داشت که کودکان به‌طور کلی به عنوان یک گروه آسیب‌پذیر اجتماعی و نیازمند حمایت به شمار می‌روند. اما فشار از زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که فرد، با افزایش سن، در انتظار ورود به عرصه عمومی است و جنسیت که خود را با بلوغ برجسته می‌کند، به عنوان عاملی جدید فرصت‌های حضور در شهر را محدود می‌کند. در این شرایط بوستان‌های بانوان امکانی مناسب برای ورود دختران به فضایی تفریحی هستند و تا حد زیادی این نوع از محدودیت‌ها را جبران می‌کنند. در

نتیجه احساس نارضایتی از جنسیت را تا حد زیادی کاهش می دهند. در نتیجه باید نیازها و علاقه‌مندی‌های دختران نوجوان از جمله تنوع در امکانات تفریحی به عنوان یکی از مخاطبان مهم این نوع فضای شهری در برنامه‌ریزی و مدیریت آن مورد توجه قرار گیرد.

چنان که نشان داده شد، پذیرش و درونی کردن برای همه افراد به یک گونه نیست و عاملیت دختران در زمینه انتظام فضایی در سه گروه «پذیرنده»، «سرکش» یا مقاومت‌کننده و «منتقد» در تحقیق نشان داده شد. پنهان‌کاری گروه سرکش و همدستی گروه منتقد در واقع به اتخاذ تصمیم‌هایی با خطرپذیری زیاد در بین این نوجوانان می‌انجامد. استراتژی‌های نوجوانان در استفاده متفاوت از فضا از جمله «سرپیچی»، «پنهان‌کاری» و «همدستی» با هدف مقاومت در برابر به‌هنجارسازی‌های قدرت عمل می‌کنند. توجه به نیازهای مخاطبان نوجوان باعث رضایتمندی گروه پذیرنده و منتقد شده و تا حد زیادی نارضایتی و احتمال اتخاذ تصمیمات با خطرپذیری زیاد در گروه سرکش را کاهش می‌دهد.

چنین فضایی با توجه به حساسیت توصیف شده در فضای عمومی در مورد بدن زنانه برای فاصله گرفتن از نوع پوشش و مدیریت بدن در فضای عمومی (چه برای دختران و چه برای زنان متاهلی که نیازمند فرصتی برای استراحت یا ورزش در محیط طبیعی هستند) ضرورت دارد، اما با توجه به بحث تحقیق حاضر، مسئله حائز اهمیت، تأثیر فضای جنسیتی بر سایر روابط اجتماعی از جمله روابط درون خانواده است. با توجه به کاهش حجم و کارکردهای خانواده در دوره مدرن، از مهمترین کارکردهای این نهاد ایجاد روابط صمیمانه و نزدیک بین افراد است و بخش بزرگی از این مهم در فرصت اوقات فراغت فراهم می‌شود. بنابراین اگر نگاهی کل‌نگرانه به فضای زندگی روزمره و ترکیب بوستان‌های بانوان و عمومی در شهر داشته باشیم، تشویق یک‌سویه این گرایش در شهر قم با توجه به برنامه‌ریزی برای افزایش بوستان‌های بانوان در سطح شهر (هر منطقه یک بوستان) که در معرفی میدان به آن اشاره شد، باید در کنار توجه به فضاهای اوقات فراغتی خانوادگی باشد. به‌طور مثال در یکی دیگر از بوستانهای این شهر، فضای بوستان در روز مخصوص بانوان بوده و شب‌ها به‌طور خانوادگی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. چنین رویکردی تعادل بین فضاهای تک‌جنسیتی و خانوادگی را بیشتر تأمین می‌کند.

در ادامه از منظر فوکو به تفسیر استراتژی قدرت در مورد فضا برای بازتولید نوع خاصی از هویت و پیامدها یا سازوکارهای مربوط به آن می‌پردازیم. مدیریت بدن در فضا بخش مهمی از مفهوم هویت را تشکیل می‌دهد. استراتژی‌های تفکیک فضایی با هدف کنترل، رؤیت‌پذیری و به‌هنجارسازی بدن‌ها و بر اساس ویژگی‌های از پیش تعیین‌شده مثل جنسیت اعمال می‌گردد. اگر به‌طور خاص به بوستان بانوان و یافته‌های این تحقیق نظر داشته باشیم، الزام به رعایت حجاب اسلامی در فضایی که در آغاز برای ایجاد امکان آزادی در نوع پوشش طراحی شده است، شبیه به حضور مستخدم یا معلم مرد در مدارس دخترانه برای توجیه رعایت حجاب در این فضاها، همان طرح سراسری فوکویی را تداعی می‌کند که هدف از آن به‌هنجارسازی بدن‌هاست. همچنین حضور مأموران انتظامی و نگهبانی

بوستان بدون لباس فرم قابل تشخیص مثال دیگری از این تکنیک فضایی است. فوکو به عنوان تکنیک‌های نظارت و بهنجارسازی، به نظارت در وضعیتی تأکید می‌کند که سوژه قادر به مشاهده ناظران نبوده، ولی همواره در معرض مشاهده قرار دارد. بدین ترتیب هدف درونی کردن رفتار و هویت مطلوب در کاربران در این فضای اوقات فراغتی دنبال می‌شود.

در مورد مصاحبه‌شوندگان در شهر قم، مطالعه نشان می‌دهد که در سایر فضاهای خصوصی و عمومی استراتژی فضایی غالب، همین استراتژی تفکیک فضایی است که به درونی شدن هنجارهای مربوط به پوشش و مدیریت بدن می‌انجامد. در نتیجه در گفتگوهای صورت‌گرفته، مشارکت‌کنندگان در بیشتر موارد بوستان نرگس را به عنوان فضایی برای دستیابی به فرصت برابر ارزیابی می‌کردند. زیرا این نوجوانان به لحاظ هویت و سبک زندگی روزمره بیشترین هماهنگی را با هویت موردتأیید در گفتمان غالب برنامه‌ریزی شهری دارند. اما در عین حال آن‌ها به بی‌توجهی برنامه‌ریزان به علایق و نیازهای خود آگاه هستند و این موضوع در مصاحبه‌ها بازتاب داشته است. در واقع به نظر می‌رسد تکنیک‌های قدرت در بهنجارسازی رفتارها، سبب می‌شود ادراک فضایی نوجوانان مبنی بر همراه و هم‌جهت بودن فضاهای اوقات فراغتی با هویت اجتماعی آنان خدشه‌دار شود.

اگر با توجه به نظر اسپین به فضاهای تک‌جنسیتی و تأثیر آنها بر پایگاه، قدرت و منزلت اجتماعی زنان توجه کنیم، فضاهای اوقات فراغتی با توجه به داوطلبانه و خدماتی بودن، بیشتر دارای وجهه‌ای توانمندسازانه و برابرگرایانه بوده و فرصت‌های موجود برای زنان را افزایش می‌دهند. البته این موضوع باید در نگاهی کل‌گرایانه، همه فضاهای اوقات فراغتی را مورد توجه قرار دهد و باید توجه داشت که وجود فضای اختصاصی بانوان آنان را در سایر فضاها با محدودیت و غیرعادی بودن حضور زنان مواجه نکند.

تلاش برای دستیابی به الگوی شهر ایرانی اسلامی که نه در یک زمان و یک فضای خاص بلکه در مجموعه کارکردها و روابط شهری گویای هویت و فرهنگ ایرانی اسلامی باشد، بعد از انقلاب اسلامی آغاز شده است. شهر امروز ایرانی در پی دستیابی به الگویی است که بین هویت سنتی و مدرن همسازی قابل قبولی برقرار سازد و در این راستا سیاست‌هایی همچون طراحی فضاهای جنسیتی و فراجنسیتی در شهر را در پیش گرفته است. توجه به انتظام فضایی جنسیتی که به نوعی بخش مهمی از هویت سنتی را تشکیل می‌دهد، تا حد زیادی مورد توافق است، اما کمیت و کیفیت این انتظام فضایی موضوع موردبحث در این مقاله بوده است.

موضوع مهم توجه به این مسئله است که در شهرهای امروزی، که در فرایند جهانی‌شدن و مدرنیته قرار دارند، گریزی از آن نیست که شهر با توجه به الزامات و اقتضائات چنین موقعیتی، هویت‌های متنوع درون خود را مدیریت کند. در این زمینه باید در نظر داشت که امکان دستیابی به «یگانگی هویتی» وجود ندارد و ما ناگزیر از مدیریت «تفاوت» در عرصه‌های زمانی و فضایی شهری هستیم (فکوهی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). در راستای ایجاد شهری با این ویژگی‌ها، لازم است نیازهای گروه‌های مختلف از جمله جوانان و زنان، که بر

اساس ترکیب جمعیتی ایران سهم عمده‌ای را به خود اختصاص می‌دهند، در قالب فضاهای جنسیتی در حد ضرورت و فضاهای فراجنسیتی در نظر گرفته شود (همان: ۱۶۲).

با توجه به این مسئله، مقاله حاضر در پی رد یا اثبات وجود اهداف توانمندسازانه فضاهای اوقات فراغتی جنسیتی یا توصیه به ایجاد یا حذف چنین فضاهایی نبوده و حتی بر لزوم وجود آن تأکید می‌کند. بلکه حاوی این ادعاست که صحبت از جایگاه برنامه‌ریزی‌های فضایی شهری، تنها با در نظر گرفتن ترکیب چنین فضاهایی و توجه به بستر و زمینه زندگی روزمره و شیوه‌های استفاده از فضا و درک کاربران از آن امکان‌پذیر است. اگر از نگاه لوفبوری به بازنمایی فضایی توجه کنیم، در مورد تفکیک جنسیتی در فضاهای عمومی دو تعبیر از اهداف برنامه‌ریزان وجود دارد؛ یکی اینکه این فضاها در جهت حفظ نظم سنتی و برای کاهش «اختلال» در انتظام فضایی جنسیتی ایجاد می‌شوند و دیگری این که فضاهای تک‌جنسیتی به زنان کمک می‌کند از امکان و فرصت بیشتر و برابر برای حضور در فضای عمومی برخوردار شوند. ادراک کاربران از فضا بر اساس نوع تعامل آن با کاربران، به سمت یکی از این دو هدف نزدیک می‌شود که برنامه‌ریزان باید به آن توجه کنند. طبعاً هرچه امکانات و قوانین بوستان به سمت در نظر گرفتن تمایلات و علایق گروه‌های مختلف از جمله دختران نوجوان پیش رود، هدف برابرگرایانه و توانمندسازانه بیشتر ادراک می‌شود و هر چه محدودیت‌ها و قواعد انضباطی بیشتر اعمال شوند، هدف اول را بیشتر بازنمایی می‌کنند.

بنابراین به لحاظ طراحی فضای شهری وجود فضاهای جنسیتی برای راحتی و دسترسی زنان مسلمان به فضای اوقات فراغتی شهری ضروری است و در عین حال باید تنوع مخاطبان و هدف توانمندسازانه اولیه در این نوع طراحی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. نگاه کنترل‌گرایانه و یکپارچه‌سازانه درون بوستان‌های بانوان، که بیش از ارائه خدمات متنوع فضایی و زمانی برای پاسخگویی به تنوع سنی و فرهنگی و اجتماعی کاربران فضا، موجب محدودیت‌های مستقیم و غیرمستقیم می‌شود، این فضا را از کارکرد مورد انتظار برای آن تهی خواهد نمود.

منابع

- احمد، لیلا (۱۳۹۴). *زنان و جنسیت در اسلام: ریشه‌های یک جدال تاریخی*. ترجمه فاطمه صادقی. لندن: زنان و قوانین در جوامع مسلمان.
- اسپین، دافنه (۲۰۰۸). *اهمیت فضاهای شهری جنسیتی برای عرصه عمومی*. ترجمه هیلدا طهرانی و آتنا کامل، ۱۳۹۸/۰۷/۱۴ (www.dialecticalspace.com)
- اشمید، کریستین (۱۳۹۳). «نظریه هانری لوفور درباره تولید فضا به سوی دیالکتیکی سه بعدی»، در *فضا، تفاوت، زندگی روزمره؛ خوانش هانری لوفور*، ویراستاران کانیشکا گوناردنا و همکاران، ترجمه افشین خاکبار و محمد فاضلی، تهران: تیسرا.
- پایگاه خبری شفقنا (۱۳۹۷)، «پنج بوستان ویژه بانوان به بوستان‌های قم اضافه می‌شود»، کد خبر: ۷۰۸۵۶، در (<https://fa.shafaqna.com/news/708567>)
- توانا، سهیل؛ شفیع، معصومه (۱۳۹۴). «تفکیک جنسیتی در فضای شهری: مطالعه بوستان بهشت مادران تهران»، *جامعه‌شناسی ایران*، شماره دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- حسینی، سید هادی؛ سمعی پور، داود (۱۳۹۴). «تحلیل تطبیقی رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری - پارک بانوان حجاب و پارک مختلط ملت (مشهد)» *مطالعات زنان*، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۴۳-۷۶.
- خلاصه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵) استان قم. قم: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قم - معاونت آمار و اطلاعات.
- رونبرگر، کلاوس (۱۳۹۳). «هانری لوفور و زندگی روزمره: در جستجوی ممکن»، در *فضا، تفاوت، زندگی روزمره؛ خوانش هانری لوفور*، ویراستاران کانیشکا گوناردنا و همکاران، ترجمه افشین خاکبار و محمد فاضلی، تهران: تیسرا.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۳). «تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازاندیشی هویت جنسیتی زنان»، *مطالعات جنسیت و خانواده* دوره ۲، شماره ۱، صص ۷۹-۹۸.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۴). «تبیین یک الگوی هویتی ترکیبی شهری در جهت پیشرفت و توسعه کشور»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۲۲، صص ۱۸۱-۱۴۱.
- فوکو، میشل (۱۳۹۶). *اراده به دانستن*، ترجمه نیکو سرخوش افشین جهان‌دیده. تهران: نی.
- کوسارو، ویلیام ای (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی کودکی*. ترجمه علیرضا کرمانی، مسعود رجبی اردشیری. تهران: ثالث.
- گوناردنا، کانیشکا؛ کیفر، استفان؛ میلگرام، ریچارد؛ شمید، کریستین (۱۳۹۳). *فضا، تفاوت، زندگی روزمره؛ خوانش هانری لوفور*. ترجمه افشین خاکبار و محمد فاضلی، تهران: تیسرا.
- لسان، نیره السادات (۱۳۹۸)، *ورود آقایان ممنوع! دیداری از بوستان نرگس*، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ (<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3992/6700/79489>)
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۹). *جنسیت و جغرافیا*. تهران: گل‌آذین.
- موسوی، منصوره (۱۳۹۴). *زنانگی و بدن (نگاهی جامعه‌شناسانه به بلوغ)*. تهران: فیروزه.
- نادری، احمد؛ شهبازی، مهدی؛ اکبری، الهام (۱۳۹۳)، «تحلیل انسان‌شناختی ورزش زنان: مطالعه‌ای بر فعالیت‌های ورزشی در پارک‌های بانوان تهران»، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۲ شماره ۴، صص ۶۸-۵۱.
- Creswell, John W (2006). *Qualitative Inquiry & Research Design: choosing among five approaches*. London: University of Nebraska, Sage publications.
- Heyl, Barbara Sherman (2001). "Ethnographic Interviewing" In *Handbook of Anthropology*, edited by Paul Atkinson, Amanda Coffey, Sara Delamont, John Lofland and Lyn Lofland, 323-338. Los Angeles, London, New Delhi, Singapore.: Sage Publication.

-
- Lefebvre, Henri (1991). *The production of space*. Translated by Donald Nicholson-Smith. oxford: blackwell.
- Massey, Doreen (1994). *Space, place and gender*. Minnesota: University of Minnesota Press.
- O'Meara, Simon (2007). *Space and Muslim Urban Life: At the Limites of the Labyrinth of Fez*. USA & Canada: Routledge.
- Rachel Newcomb, Rollins College (2006). "Gendering the City, Gendering the Nation:Contesting Urban Space in Fes, Morocco." *city & society* (University of Callifornia Press) 58 (2): 288-311.
- Reiker, Martina, and Kamran Asdar Ali (2008). *Gendering Urban Space in the Middel East, South Asia and Africa*. New York: PALGRAVE MACMILLAN.
- Spain, Daphne (1992). *Gendered spaces*. Carolina: The University of North Carolina.
- Spain, Daphne (2008). "The Importance of Urban Gendered Spaces For The Public Realm." In *Urbanism and Gender, A Necessary Vision For All*, 31-39. Barcelona: Diputació.
- Spradley, JP (1980). *Participant Observation*. New York: Holt,Rinehart & Winston.